

الگوی قرآنی برای سنجش دینداری در ایران*

- غلامرضا جمشیدیها^۱
- محمداقبر آخوندی^۲

چکیده

در اکثر پژوهش‌هایی که به سنجش و ارزیابی دینداری در ایران پرداخته‌اند، از الگوهای استفاده شده که در بستری غیر از فرهنگ آرمانی اسلام تهیه شده‌اند و مناسبت کمتری با معیارهای دینداری فرد مسلمان دارند. بر این مبنای پرسش این است که آیا مبتنی بر منابع دین، می‌توان الگوی قرآنی برای سنجش و ارزیابی دینداری فرد مسلمان ارائه کرد؟ با فرض وجود چنین امکانی، هدف این تحقیق استخراج الگوی سنجش دینداری از قرآن مجید با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و طبقه‌بندی نظری مفاهیم و مقولات است. نتایج نشان می‌دهد الگویی که با این روش به دست می‌آید، بر خلاف الگوهای قبل از خود، دارای هفت مرتبه قابل سنجش است که از ضعیف‌ترین تا قوی‌ترین مرتبه در پی هم قرار می‌گیرند. لذا ارتقا از مراتب پایین‌تر به بالاتر، با احراز شاخص‌های مرتبه بالا امکان‌پذیر است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰.

۱. دانشیار دانشگاه تهران (gjamshidi@ut.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) (akhondi@birjand.ac.ir).

اجرای پرسش‌نامهٔ مربوط به سنجهٔ مراتب دینداری نشان داد که این الگو و سنجهٔ مربوط به آن، از روایی و اعتبار بالایی در جامعهٔ نمونه برخوردار است.

واژگان کلیدی: قرآن، دینداری، مراتب دینداری، الگوی دینداری.

مقدمه و طرح مسئله

اهمیت دین در جامعه باعث شده طی سالیان گذشته، تحقیقات گوناگونی در سطوح ملی و منطقه‌ای برای ارزیابی دینداری شکل گیرد. نتایج بخشی از پژوهش‌های صورت گرفته، دینداری را رو به ضعف (ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱: ش ۳؛ شکیبا، ۱۳۷۹؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳) و بخشی آن را رو به قوت می‌دانند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ احمدی، ۱۳۸۸: ش ۱). الگوی ارزیابی اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، غیر بومی و عمدتاً پرورش یافته در بستر مسیحی و یهودی‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶: ش ۴۷/۳۰). نگاه به این الگوها تا کنون، نگاهی عمومیت‌بخش بوده و با شرایط جامعهٔ دینی و مبانی اسلام سازگار نشان داده شده‌اند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۵). پرسش این مقاله این است که آیا می‌توان دینداری مؤمن به دین اسلام را مبتنی بر معیارهایی غیر از فرهنگ آرمانی اسلام ارزیابی کرد و نتیجه‌ای درست و قابل اتکا به دست آورد؟ ادعای حداقلی این مقاله این است که ارزیابی دینداری مؤمنان به هر دین باید مبتنی بر معیارهایی صورت پذیرد که در چارچوب آن‌ها دیندار به شمار می‌آیند. به استناد همهٔ شواهد تاریخی، دینی و فلسفی، ادعای حداکثری این مقاله این است که قرآن مجید آخرین و کامل‌ترین کتاب الهی است و همهٔ آنچه را که پیامبران سلف برای بشر آورده بودند، یک‌جا در خود دارد. بر این اساس، معیاری که قرآن برای ارزیابی دینداری ارائه می‌کند، معیار ارزیابی همهٔ دینداران، اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و... است. بر اساس آیهٔ شریفهٔ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (اسراء/۹)، قرآن مجید، مستقیم‌ترین، پایرجاترین و صاف‌ترین راه را در همهٔ حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حاکمیتی و... برای انسان فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۳/۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷/۱۲). لذا هدف هدایت انسان در جامعه است که طبق این آیهٔ شریفه، هدایت اقوم و نتیجهٔ آن رشد و تعالی جامعهٔ انسانی است. به همین دلیل، انسان بدون قید (زمان، مکان، زبان، قوم، نژاد و...)، مخاطب قرآن است و هر آنچه در زندگی

اجتماعی برای رشد و تعالی، بدان نیازمند است در آن گنجانده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۳/۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷/۱۲). بر این اساس و نیز روایتی که از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده،^۱ قرآن دستورالعمل انسان‌سازی است و برای ارزیابی آنچه بر اساس این دستورالعمل شکل می‌گیرد، معیاری مشخص ارائه می‌کند. مبتنی بر چنین معیاری می‌توان (بر حسب زمان و جوامع مختلف)، میزان تحقق آن یا نوع و میزان انحرافات از آن را تشخیص داد. نکته مهم دیگر در لزوم ارائه الگویی قرآنی برای ارزیابی دینداری آن است که الگوهای به کار گرفته شده در تحقیقات تجربی در حوزه دین، عمدتاً دینداری و نه مراتب آن را ارزیابی می‌کنند. به همین جهت، از تفسیر ناخالصی‌های دینداری عاجزند. به عبارت دیگر، آن‌ها در عین اعتقاد به کارکرد مصونیت‌بخشی دینداری، توانسته‌اند به این سؤال پاسخ گویند که چرا دین بخشی از مؤمنان را از انحرافات و کج‌رفتاری باز نمی‌دارد؟ با مراجعه مستقیم به منابع اسلامی ملاحظه می‌شود که بر خلاف همه الگوهایی که تا کنون ارائه و به کار گرفته شده‌اند، دینداری مراتبی دارد و راز وجود ناخالصی‌ها نیز در همین مسئله نهفته است. بنابراین هدف این پژوهش به طور مشخص عبارت از «کشف مراتب سنجش دینداری در قرآن» است. مبتنی بر این هدف پرسش‌های زیر پی‌گیری خواهند شد:

۱. آیا دینداری در قرآن مدرج و دارای مراتب است؟
۲. در صورت مثبت بودن پاسخ؛ دینداری دارای چند مرتبه قابل سنجش است؟
۳. مراتب دینداری چگونه الگوی دینداری را شکل می‌دهند؟
۴. اعتبار و روایی سنجه مراتب دینداری در نمونه‌ای معرف چگونه است؟

چارچوب مفهومی

دین در دیدگاه جامعه‌شناسانی مانند آگوست کنت، امیل دورکیم، وبر، برگر، لوکمان، گیدنز، یینگر، نیکلاس لومان، کلیفورد گیرتز، رابرتسون، کارل دوبلر و... عمدتاً عامل انسجام، همبستگی، رشددهنده شخصیت و جامعه، و عاملی برای سلامت و سعادت

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود: «القرآن مأذبه الله فتعلموا مأذبه القرآن». سید رضی در معنای «القرآن مأذبه الله» می‌گوید: قرآن «ادبستان» است و برای ادب و تقویم خلق آمده است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱: ۸۵).

انسان تلقی شده است. از نظر آن‌ها دین ابعادی دارد که مبتنی بر آن، الگوهای مختلفی ارائه شده است. الگوی سنجش دینداری که آگوست کنت مطرح نمود دارای ابعاد عقاید، عواطف و عمل است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). الگوی مورد نظر دورکیم دارای ابعاد عقیدتی، مناسکی و معاشرتی است (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۸) که در بعد عقیدتی و عمل، با الگوی کنت اشتراک دارد، ولی عواطف حذف و بُعد معاشرتی به آن اضافه شده است. الگوی لئوبا دارای چهار بعد عقاید، عواطف، عمل و بعد اجتماعی است که در آن، همه ابعاد الگوی کنت وجود دارد ولی بعد معاشرتی الگوی دورکیم، به بعد اجتماعی تبدیل، و بُعد عواطف حذف شده است. الگوی لنسکی مبتنی بر جهت‌گیری دینی (شامل راست‌کیشی و عبودیتی) و اهتمام گروهی (شامل معاشرتی و مشارکتی) است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶: ش ۳۰/۴۰-۴۲) که تفاوت ماهوی با الگوهای پیش گفته ندارد. فوکویاما در الگوی خویش به ابعاد چهارگانه شناختی، آیینی، عقیدتی و عبادی دین تأکید می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۶۱) که نسبت به الگوهای سابق از خود، بعد شناختی را اضافه دارد. گلاک و استارک الگویی ارائه می‌کنند که دارای پنج بعد است:

۱. تجربی (عواطف دینی، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجود مقدس)،
۲. اعتقادی (باورها)،
۳. مناسکی (نوعی از رفتارها، آداب، اعمال که پیروان موظف به اجرای آن هستند)،
۴. شناختی (ادراکات و برداشت‌های فرد از جهان به عنوان مبنایی برای عمل)،
۵. پیامدی (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ش ۱/۳۹؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳). آن‌ها معتقدند که الگویشان توان جهانی شدن را دارد. الگوی گلاک و استارک تقریباً جامع خیلی از الگوهای قبل و بعد خویش است و به دلیل نگاه برون‌دینی در ارائه آن، به اعتقاد خیلی از محققان به دین اسلام نیز قابل تسری است (سراج‌زاده، ۱۳۸۷: ش ۴/۳۷-۷۰). مبتنی بر چنین دیدگاهی است که در ایران مورد توجه بوده و تحقیقات فراوانی مبتنی بر آن شکل گرفته است. شجاعی‌زند با نقد الگوهای مزبور از جمله الگوی گلاک و استارک مبتنی بر منابع دین اسلام، الگویی بومی و پنج بعدی (معتقد بودن، اخلاقی عمل کردن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن و متشرع بودن) ارائه می‌کند که بر ابعاد وجودی انسان استوار گردیده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ش ۱/۵۳). این الگو حداقل در بعد باورها، با الگوهای دیگر به ویژه الگوی گلاک و استارک مشترک

است. بالاخره خدایاری فرد نیز مبتنی بر منابع دین اسلام، الگویی بومی و سه بعدی (باورها، عواطف و التزام عملی به دین) برای سنجش دینداری مسلمانان ارائه کرده است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). همان گونه که ملاحظه می شود، این الگو با الگوهای سابق به ویژه الگوی کنت مشابهت دارد. با اغماض از نقاط افتراق الگوهای پیش گفته، بررسی های دقیق تر نشان می دهد که همه آن ها در ویژگی های زیر مشترک اند: در همه آن ها، باور بعد اصلی دینداری به شمار می آید و به تنهایی بخشی از دینداری را می سنجد؛ علم دینی (شناخت) همانند باور، یکی از ابعاد دینداری به شمار می آید و به تنهایی بخشی از دینداری را می سنجد؛ ایمان جایگاه و تعریف مشخصی ندارد و بعد دینداری به شمار نمی رود؛ در همه الگوهای ارائه شده ملازمه ای بین ابعاد درونی و بیرونی دینداری (مثلاً بین ایمان و عمل) وجود ندارد، بلکه هر کدام مستقل و بخشی از دینداری را نشان می دهند؛ در همه این الگوها، دینداری دارای مراتب نیست؛ رشد و تقویت دینداری در همه این الگوها، زمینه درونی شدن تمام در افراد و انطباق آن با دیندار را فراهم نمی کند و آن دو همواره دو پدیده جدای از هم به شمار می روند؛ در نتیجه هیچ گاه الگوی عینی و تجربی دین در عالم خارج تحقق نمی یابد و همواره در ذهن باقی می ماند.

بنابراین مهم ترین ابعاد دین که حداقل توسط یک صاحب نظر مطرح و در شرایط و نمونه های گوناگون، مورد سنجش قرار گرفته اند، عبارت اند از: عقاید یا باورها، عمل یا مناسک، بعد اجتماعی، عواطف، علم یا شناخت، آیینی، تجربی، پیامدی، اخلاقی عمل کردن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، متشرع بودن و التزام عملی به دین. بر اساس دیدگاه مفسران قرآن، دین دستورالعملی واقعی، حقیقی و منطبق با ابعاد وجودی انسان است که به منظور تعالی انسان وحی شده، و پس از تحقق در جامعه، به الگوهای اجتماعی، عینی، پایدار و منطبق با وحی تبدیل گردیده است و همه جوانب زندگی انسان را کنترل و او را از انحراف و کجی مصون می دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۲ و ۱۹۷/۳؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۶: ۲۷۷). از این رو، دین به طور کامل و تمام در جامعه تحقق یافته، نمونه ای عینی و تجربی پیدا می کند که متن و عین دین است. در این دیدگاه، دین نیاز بنیادی و اولیه انسان است و همانند خداخواهی و خداجویی فطری و

در اعماق جان انسان ریشه دارد. به همین دلیل، انسان فقط با دین، به رشد، تعالی و سعادت نایل می‌گردد. مبتنی بر این نظر، دین نیز دارای ابعادی قابل سنجش است که با ابعاد وجودی انسان مطابقت دارد؛ «ایمان» و «عمل صالح» دو بعد اساسی و اصلی دینداری محسوب می‌شوند که با همدیگر رابطه‌ای دوسویه دارند.

بر مبنای تفسیری که اکثر مفسران قرآن به ویژه خواجه طوسی از آیه **﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ﴾** (عصر / ۳) ارائه کرده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰: ۳۰۸/۲)، همه ابعاد مطرح‌شده فوق‌الذکر و مفروض دین، ذیل دو بعد اخلاق نظری (ایمان) و اخلاق عملی (عمل صالح) طبقه‌بندی می‌شوند. ایمان عبارت است از «تصدیق شیء آن‌چنان که هست» (همو، ۱۴۰۴: ۳۷۹). به عبارت روشن‌تر، پس از حصول علم و باور، ایمان تصدیق آن دو است، لذا دارای رتبه‌ای بالاتر از علم و باور است. از این رو، ایمان مرحله‌ای است که علم و باور را همزمان در خود مستتر دارد؛ انسان با ایمان، انسان باورمند و دارای شناخت دینی نیز به حساب می‌آید. از این جهت همه ابعاد نظری دینداری (عقاید یا باورها، علم یا شناخت، مؤمن بودن)، ذیل «ایمان» جای گرفته، قابل سنجش‌اند. دومین بعد دین با استفاده از تفسیر سوره مزبور، «عمل صالح» است که عبارت است از «رفتار بر مبنای ایمان». از این جهت، ایمان مقدم بر عمل صالح می‌باشد. ایمان با هر نوع و شدتی، لزوماً در عمل ظاهر می‌گردد. پس ایمان، عمل صالح را به وجود می‌آورد. از سویی دیگر، عمل صالح نیز ایمان را تقویت کرده، توسعه می‌دهد؛ لذا رابطه آن دو با هم رابطه‌ای دوسویه و لازم و ملزومی است. از دیگرسو، عمل صالح دایره وسیعی را شامل می‌شود و همه اعمال، عواطف، احساسات، مناسک و هر چیزی را که در واقعیت خارجی ظاهر می‌گردد، شامل می‌شود. به عبارت دیگر، عمل صالح نمود بیرونی ایمان، و ایمان چهره پنهان عمل صالح است. بنابراین تمام ابعاد عملی دینداری شامل: عمل یا مناسک، بعد اجتماعی، تجربه دینی، عواطف، آیینی، پیامدی، اخلاقی عمل کردن، اهل عبادت بودن، متشرع بودن و التزام عملی به دین، ذیل عمل صالح به عنوان دومین بعد دینداری جای می‌گیرند. نکته مهمی که در دیدگاه مفسران قرآن وجود دارد و تقریباً در هیچ نظریه‌ای به آن اشاره نشده، مراتب دینداری است. در این دیدگاه، دینداری دارای هفت مرتبه قابل سنجش تجربی است.

یکی از برجستگی‌های این پژوهش بر سایر نظریات در پیشنهاد شاخص‌ها و نهایتاً سنجه‌های قابل اندازه‌گیری برای مراتب دینداری است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی پنهان و نظریه‌زمینه‌ای است. تحلیل محتوا از جمله روش‌های غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای است که مهم‌ترین کار آن مقوله‌بندی مفاهیم است و سه ویژگی مهم و اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ش ۴۵/۸). تحلیل محتوای کیفی از جمله روش‌های تحلیل داده‌های متنی است که طی شش مرحله طرح، واحدبندی، نمونه‌گیری، کدگذاری، استخراج نتایج و معتبرسازی (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۸-۳۴۹) و با سه شیوه تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختاریبخش انجام می‌گیرد (همان). از سویی دیگر، در روشی که استروس و کوربین پیشنهاد می‌کنند، اطلاعات متن تجزیه و شکسته می‌شوند و پس از مفهوم‌سازی در ترکیبی جدید آرایش پیدا می‌کنند. در این روش که کدگذاری نظری نام‌گذاری شده، به سه شکل کدگذاری آزاد، محوری و انتخابی صورت می‌گیرد که در طول همدیگر قرار دارند (استروس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۱۲). با انتخاب مقولات و پیگیری روابط آن‌ها با سایر مقولات، جاهای خالی روابط با مقوله‌ای که نیاز به گسترش دارد، پر می‌شود، لذا به مقولات به دست آمده غنا بخشیده می‌شود (همان).

در این پژوهش، آیات قرآن مجید متن اصلی، و تفاسیر متون بعدی برای استخراج مفاهیم و مقولات به شمار می‌آیند. با استفاده از روش تلخیص در تحلیل محتوا، ابتدا آیات مرتبط با موضوع شناسایی و سپس در هر آیه، مفاهیم اصلی و فرعی تعیین و استخراج گردید. جهت یافتن معنا و تفسیر هر مفهوم به تفاسیر مراجعه و تفسیر مشترک از هر مفهوم، مشخص، تفکیک، کدگذاری و ثبت شد. به دلیل رابطه منسجم مفاهیم با یکدیگر، ارتباطات مفاهیم با هم و با مفاهیم سایر آیات، مورد توجه قرار گرفت. بنابراین برای یافتن ارتباطات، شرایط، موقعیت‌ها، تأثیر و تأثرات، پیامدها، علل مربوط به مفاهیم در هر آیه، مجدداً به تفاسیر مراجعه، و تفسیر مشترک مربوط به هر کدام، مشخص، تفکیک و کدگذاری شد. برای وضوح بهتر مفاهیم در متن هر آیه و تفسیر آن، از دو

روش «طرح سؤالات اساسی» (چه چیز، چه کسی، چگونه، کی، چه مدت، کجا، چقدر، چرا و...)، در مقابل متن و «مقایسه دو قطب مخالف»، به طور مرتب و به دفعات استفاده شد. در همه آیات مرتبط با موضوع، مفاهیم و تفسیر مربوط به آن مشخص و به همراه ارتباطات، شرایط، موقعیت‌ها، تأثیر و تأثرات، پیامدها، علل و... موجود در آن‌ها، ذیل همان آیه با مستندات تفسیری دسته‌بندی گردید. در مرحله بعد، دسته‌بندی به دست آمده به همراه مستندات تفسیری، مجدداً بر اساس موضوع طبقه‌بندی شد. مبتنی بر الگوی استروس و کوربین،^۱ ارتباط بین مقولات فرعی و اصلی مشخص، و داده‌ها با مراجعه مکرر به تفاسیر تفسیر شدند. از طریق تکرار مراجعات به تفاسیر و از تفاسیر به داده‌ها، تلاش فراوانی صورت پذیرفت تا تفسیر داده‌ها از متن تفسیر قرآن اخذ گردد. رعایت این نکته با همه دشواری‌هایش باعث شد نظرات محقق در حداقل ممکن در نتایج تأثیرگذار باشد.

مراتب دینداری

در آیات ۱۱ سوره مجادله، ۱۹ سوره احقاف و ۱۰ سوره فاطر، دینداری دارای مراتب و درجات معرفی شده است. همچنین در آیات «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف / ۱۰۶) و «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَزِدَّادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح / ۴)، تأکید شده بعضی دینداران در حالی که مؤمن‌اند، مراتبی از شرک را نیز دارا هستند، به نحوی که می‌توان ایمان آن‌ها را از نظر ضعف و قوت درجه‌بندی کرد. بر این اساس، دینداری سیال و قابلیت رشد یا تنزل رتبه دارد؛ لذا حقیقتی ثابت و لایتغیر نیست تا بخشی از افراد جامعه به دلیل نوع کنش‌های اجتماعی، از محدوده آن خارج بمانند، بلکه حقیقتی دارای مراتب است که همه افراد جامعه دینی را با دامنه کنش‌های متنوع دینی دربرمی‌گیرد. از این رو، دینداری دارای مراتبی است که در مراتب پایین، ایمان با ناخالصی همراه است، ولی به تدریج با رشد و ارتقای رتبه، از ناخالصی‌ها کاسته

۱. در الگوی مورد نظر استروس و کوربین، علاوه بر علل پدیده‌ها، به بستر و شرایط، راهبردهای دخیل در ایجاد و شکل‌گیری پدیده‌ها توجه می‌شود و پیامدهای آن‌ها در الگویی مشخص بررسی می‌گردد (ر.ک: استروس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۱۸).

می‌شود. رتبه‌بندی دینداری، هم متناسب با ظرفیت شخصیتی و ادراکی افراد و هم متناسب با نوع، میزان و تنوع تأثیر‌پذیری از دین شکل می‌گیرد؛ مثلاً برخی مفسران، کلمه «مستضعفین» را در آیات قرآن مربوط به افراد و گروه‌هایی می‌دانند که در اثر کاستی‌های مختلف جسمی، روانی یا موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، حقیقت اسلام برایشان آشکار نشده و از گرایش بدان باز مانده یا امکان پابندی به آن را نیافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸-۵۱/۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۴-۱۸۸/۴). پس مراتب دینداری، از آیات و روایات^۱ فراوانی استفاده شده، قابل انکار نیست.

مراتب دینداری را از دو منظر می‌توان توضیح داد. با نگاهی کلان، دینداری دارای مراتبی بی‌نهایت (به تعداد آیات قرآن) است. مبتنی بر بخشی از آیات و روایات،^۲ هر کس به میزان عامل بودن به آیات قرآن و تشبه به آن‌ها، دیندار به شمار می‌آید و چون «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَبَطْنُهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا»، مراتب دینداری بی‌نهایت است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱: ۷۷-۱۷۹). اما با نگاهی تقلیل‌گرایانه، دینداری دارای هفت مرتبه قابل سنجش زیر است که با استفاده از شیوه‌های معمول جامعه‌شناسی (اعم از کیفی و کمی) سنجیده می‌شوند. مرتبه اول: دینداری ظاهری؛ مرتبه دوم: دینداری اجمالی؛ مرتبه سوم: دینداری تفصیلی؛ مرتبه چهارم: دینداری بدون تردید؛ مرتبه پنجم: دینداری در شرایط تضاد؛ مرتبه ششم: دینداری خالصانه محض؛ مرتبه هفتم: دینداری اطمینان‌بخش (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۹۷).

مرتبه اول: دینداری ظاهری ﴿لَمَّا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾

مبتنی بر آیه ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ (حجرات/۱۴)، ابتدایی‌ترین و اولین مرتبه دینداری، با اقرار به «شهادتین» تحقق می‌یابد؛ هر کس به وحدانیت خدا و

۱. امام صادق (علیه السلام) فرمود: ایمان ده درجه دارد؛ همچون نردبان که پله پله از آن بالا می‌روند (مجلسی، بی تا: ۱۶۵/۶۹).

۲. قال أمير المؤمنين (عليه السلام) في وصيته لابنه محمد بن الحنفية رضي الله عنه: «يا بني... عليك بقراءة القرآن والعمل بما فيه ولزوم فرائضه وشرائعه وحلاله وحرامه وأمره ونهيه والتهجد به وتلاوته في ليلك ونهارك فإنه عهد من الله تبارك وتعالى إلى خلقه فهو واجب على كل مسلم أن ينظر كل يوم في عهده ولو خمسين آية واعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن، فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرأ وأزق فلا يكون في الجنة بعد النبيين والصدّيقين أرفع درجة من...» (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲۸/۲).

رسالت پیامبر اسلام ﷺ اقرار کند داخل در گروه مسلمانان شده، از تمام حقوق آن‌ها در جامعه دینی برخوردار می‌شود و کسی حق تعرض به او را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۸-۴۵۶/۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۳۲). دینداری در این مرتبه، سطحی، متزلزل، ظاهری و مصلحتی است و به عبارت آیه شریفه مزبور، هنوز ایمان وارد قلب نشده است. به دلیل مصلحتی بودن و ظاهری بودن دینداری در این مرتبه، دین در فرایند جامعه‌پذیری، درونی نشده و رفتارهای فرد تحت کنترل دین قرار نگرفته‌اند. به همین جهت کسانی که در این مرتبه از دینداری قرار می‌گیرند در معرض بروز هر گونه کجی و انحراف‌اند، و دینداری‌شان نه تنها مصونیت‌بخش نیست، که با احتمال افزایش نفاق که در این مرتبه وجود دارد، بروز انحراف و کج‌رفتاری افزایش نیز می‌یابد. برخی از شاخص‌های این مرتبه از دینداری عبارت‌اند از: شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام ﷺ؛ رعایت ظاهر دین در جامعه و نه لزوماً در زمان تنهایی؛ خودداری از گناه علنی به تناسب فشار اجتماعی؛ بروز رفتارهای منافقانه به تناسب فشار اجتماعی؛ رعایت نکردن ظاهر دین در شرایط سخت و دشوار؛ تسلیم نبودن قلب در برابر اراده الهی؛ افزایش انحرافات پنهانی، تنظیم انحرافات آشکار به تناسب تشدید فشارهای اجتماعی (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

مرتبه دوم: دینداری بی‌ثبات ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا﴾^۱
 در آیه ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف/۱۰۶) و آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَّيَكُنَ اللَّهُ يُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۳۷)، از مؤمنانی سخن گفته شده که ایمانشان با «شُرک» ممزوج است. به همین دلیل، بین ایمان و کفر «در آمد و شدند» که حکایت دسته‌ای دیگر از مؤمنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۱/۹). در این مرتبه ایمان وارد قلب می‌شود، به همین جهت، از شدت و تندی انحراف و گناه در مرتبه قبل، کاسته شده است؛ اما هنوز ایمان ضعیف است و به ثبات نسبی نرسیده است و دیندار دائماً بین ایمان و کفر یا بین گناه و ثواب در نوسان است. چنانچه در نوسان مزبور، ایمان تقویت گردد، به تدریج استحکام یافته از احتمال انحراف و گناه کاسته شده، ارتقای مرتبه دینداری اتفاق می‌افتد. اما اگر در فرایند مزبور، جنبه گناه تقویت گردد، احتمال بروز انحراف فزونی یافته، به تدریج تنزل مرتبه دینداری حاصل می‌شود.

در این مرتبه کنترل‌های اجتماعی، تأثیر زیادی بر احتمال بروز انحراف دارند؛ چرا که با تشدید آن، جرایم علنی و آشکار کاهش، نفاق افزایش، و در نتیجه، جرایم غیر علنی و پنهان افزایش خواهند یافت. با تشدید فشار اجتماعی، نفاق راهی برای فرار از ضربه‌های آن به شمار می‌آید. بخشی از شاخص‌های دومین مرتبه دینداری عبارت‌اند از: اقامه نماز؛ روابط جنسی مشروع؛ وفاداری نسبت به تعهدات و پیمان‌ها؛ روزه؛ پرداخت زکات (خمس، زکات، انفاق)؛ ایمان به قیامت؛ توبه (اصلاح گذشته)؛ همیاری و کمک به دیگران؛ نظارت اجتماعی؛ مورد اعتماد بودن؛ رفتارهای منافقانه به تناسب فشار اجتماعی؛ شک و تردید در دین و احکام آن؛ احتمال بروز گناه و معصیت (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

مرتبه سوم: دینداری تفصیلی ﴿أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾

در این مرتبه، مؤمنان نسبت به اوامر و نواهی الهی تفصیلاً، تسلیم می‌شوند. پایبندی تفصیلی به دین، نتیجه ثبات، استحکام و استقرار ایمان است که به تدریج حاصل و براساس آیات ۱۸۳ سوره بقره و ۱۳۴ سوره آل عمران، ملکه تقوا شکل می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۹-۹۶/۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۸۳۷/۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۳۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۸۶/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۶۶/۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۷۱/۶). در این مرتبه، به دلیل شکل‌گیری خودکنترلی که نتیجه درونی شدن دین است، از احتمال بروز انحراف و گناه کاسته می‌شود؛ ولی همچنان میزان جرایم و نفاق، بسته به ضعف و قوت ایمان، در نوسان است. در این مرتبه، هنوز شک و تردید در دین، دامن دیندار را کاملاً رها نکرده، آمد و شد بین ایمان و کفر، و گناه و ثواب، گاه بروز می‌کند. برخی از شاخص‌های این مرتبه عبارت‌اند از: انجام همه واجبات و ترک همه محرّمات الهی؛ شکل‌گیری ملکه تقوا؛ انفاق در سختی و آسایش؛ فرو بردن خشم و غضب؛ گذشت از خطا و اشتباه سایر مؤمنان در حق خود؛ راه ندادن کینه از مؤمنان در دل؛ پاسخ دادن بدی‌ها و خطاهای مؤمنان با نیکی و احسان؛ عدم اصرار و پافشاری بر انحراف و ناهنجاری؛ در عین شکل‌گیری ملکه تقوا هنوز احتمال گناه وجود دارد؛ احتمال وجود شک و تردید در دین؛ ظهور تدریجی الگوهای اجتماعی دین (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

مرتبۀ چهارم: دینداری بی تردید ﴿آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَزْتَابُوا﴾

آیه ۱۵ سوره حجرات، مرحله‌ای از دینداری را ذکر می‌کند که مؤمن با استواری ایمان در قلب، از بذل مال و جان خویش در راه خدا مضایقه نمی‌کند و به جای شک و تردید در دین، یقین جایگزین می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۲۱۳). همین معنا از آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف قابل استفاده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۴۳۷). به دلیل حصول یقین و از میان رفتن شک و تردید، احتمال بروز گناه و انحراف به شدت کاهش یافته، فشار اجتماعی تأثیر چندانی در افزایش یا کاهش انحرافات ندارد. به عبارت روشن‌تر با تقویت ایمان از طریق یقین، رفتارهای منافقانه نیز کاهش یافته و صداقت جایگزین آن می‌گردد. در این مرتبه، جرایم به طور واقعی به صفر نزدیک و دینداری مصونیت‌بخش می‌شود. برخی از شاخص‌های این مرتبه عبارت‌اند از: عدم تردید نسبت به دین؛ صداقت در ایمان به خدا و پیامبر ﷺ؛ عدم تردید در تسلیم شدن اوامر و نواهی الهی؛ عدم تردید در پایبندی به واجبات و محرمات؛ صداقت در پایبندی به واجبات و محرمات دین؛ کوشش در بذل مال و جان برای پیشبرد دین؛ عدم تردید در بذل مال و جان در پیشبرد دین؛ صداقت در بذل مال و جان در راه پیشبرد دین؛ راستگویی؛ به حداقل رسیدن احتمال گناه و معصیت (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

مرتبۀ پنجم: دینداری در تضاد ﴿وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

در پنجمین مرتبه، مؤمن به تدریج در مرحله‌ای قرار می‌گیرد که در برابر هیچ حکمی از احکام الهی تردید نداشته کاملاً تسلیم اوامر خدا و رسولش می‌گردد، هرچند آن حکم علیه او باشد. در آیه ۵۹ سوره نساء و آیه ۷ سوره حشر به مؤمنان امر می‌شود که فرمان خدا، رسول و «أولی الامر» را اطاعت کنند. این امر به اطاعت، مقدمه‌ای است برای اینکه آن‌ها اختلافات زندگی اجتماعی خویش را به خدا و رسول او ارجاع دهند: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۶۱۸). البته در انتهای آیه، ارجاع اختلافات به خدا و رسول، شرط ایمان دانسته شده است: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾. در آیه ۶۵ همان سوره، با سوگند ﴿فَلَا وَرَبِّكَ﴾ یادآور می‌شود که ایمان حاصل نمی‌شود، مگر آنکه داور اختلاف‌ها، پیامبر اسلام ﷺ قرار گیرد: ﴿لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ

يُحْكُمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ». در ادامه آیه مزبور، ارجاع صرف اختلافات و تضادها به خدا و رسول برای داوری، کافی دانسته نشده و مؤمنان باید از حکم رسول خدا در مورد خود، احساس ناراحتی نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند: «لَمْ يَلْبُدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مَّا قَضَيْتَ وَاسْلُمُوا تَسْلِيمًا». اختلاف و تضادی که باید به خدا و رسول ارجاع گردد، منحصر به اختلاف خاصی نیست و مطلق تضادها و اختلافات را شامل می‌شود (همان: ۶۲۰/۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۹۸/۱؛ قرآنتی، ۱۳۸۳: ۳۱۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۱۷/۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۴۲/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۴/۳؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۹۴/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۶۷/۱). همچنین سطح اختلافات و تضادهایی که باید به خدا و رسول ارجاع شود، منحصر نیست و به صورت مطلق آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۲۰/۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۹۸/۱؛ قرآنتی، ۱۳۸۳: ۳۱۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۱۷/۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۴۲/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۴/۳؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۹۴/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۶۷/۱).

بنابراین مبتنی بر آیات ۶۴ و ۶۵ سوره نساء، اگر مؤمنان تسلیم حکم رسول‌الله شدند و از حکم او در مورد خویش ناراحت نگشتند، آن وقت دیندار واقعی‌اند. در این صورت است که به طور قطع تسلیم حکم خداوند. هر مؤمنی که به این مرحله از دینداری برسد، صفاتی در او پیدا می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تسلیم شدن در برابر همه دستورات و مقرراتی که از ناحیه خدای تعالی به وی می‌رسد و چنین کسی حالت اعتراض و چون و چرا در برابر اوامر الهی به خود نمی‌گیرد؛ نه در زبان حرفی می‌گوید و نه در دل نق می‌زند. به همین جهت، در آیه ۶۵ سوره نساء «تسلیماً» مطلق ذکر شده است و معنای آیه عام است و شامل همه داورهای رسول خدا ﷺ و روش‌هایی که او در زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تبلیغاتی، شخصی و... سیره خویش قرار داده بود، می‌شود. پس دینداران حقیقی باید رفتار و سلوک اجتماعی - سیاسی رسول‌الله را هرچند خوشایندشان هم نباشد، سیره و سلوک خود قرار دهند. مؤمنی که در این مرحله از دینداری قرار گرفته، نمی‌تواند هر چیزی را که به نحوی به خدا و رسولش انتساب داشته باشد، رد، به آن اعتراض، یا از آن اظهار خستگی کند و یا به وجهی از وجوه از آن بدش آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۴/۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۶/۴). در آیه «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ

فَعَلُوا مَا يُوعِظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا (نساء/ ۶۶)، برای نمونه دو شاخص قابل اندازه‌گیری برای این مرتبه از دینداری ارائه شده است، بدین ترتیب که اگر داوری خدا و رسولش بر این قرار گرفت که همدیگر را بکشید: ﴿أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ یا منزل و دیار خویش را ترک کنید: ﴿أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ﴾، نباید در زبان، عمل و دل از این داوری ناراحت شوند، رد کنند، نق بزنند یا احساس ناراحتی و خستگی کنند. بر اساس تعبیر جالب آیه ۵۱ سوره نور، دینداران در این مرتبه از دینداری، به محض مطلع شدن از داوری خدا و رسول او: ﴿إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ﴾، بدون چون و چرا می‌گویند: ﴿أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾. جالب اینکه کلمه «إنما» که در ابتدای آیه برای حصر آمده، مشخص می‌کند که مؤمنان به هنگام مطلع شدن از داوری خدا و رسول او، جز این سخنی ندارند و سر تا پایشان همین دو کلمه است. بر اساس جمله پایانی آیه: ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَالِقُونَ﴾، تسلیم‌پذیری مؤمنان در برابر داوری خدا و رسول او باعث می‌شود که آن‌ها رستگاران واقعی باشند و طبق آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾ (یونس/ ۹)، به ایمانشان هدایت شوند. هدایت به ایمان در مؤمنان بدان معناست که آن‌ها هر چه در برابر اراده الهی بیشتر تسلیم شوند ایمانشان تقویت، و تقویت ایمان بر این حال تسلیم بودن در برابر اراده الهی اثری دو چندان دارد. بنابراین در پنجمین مرتبه، با افزایش درونی شدن دین، خودکنترلی تقویت و استحکام می‌یابد و احتمال بروز هر گونه گناه و انحراف به صفر نزدیک می‌شود. اما هنوز احتمال بروز خطا و اشتباه وجود دارد، ولی با بروز هر خطایی، برگشتی سریع همراه می‌شود، به گونه‌ای که به تدریج دین از زندگی فردی عبور کرده و زندگی اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، دیندار در این مرتبه علاوه بر دینداری در صحنه زندگی شخصی، در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز دیندار است و کمتر دچار تزلزل می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

مرتبه ششم: دینداری خالصانه ﴿أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

حضرت ابراهیم علیه السلام مؤمنی بود که از آزمون‌های متعدد از جمله ذبح فرزند جوان (ر.ک: صفات/ ۱۰۲-۱۰۳) و ترک دیار خویش (ر.ک: ابراهیم/ ۳۷)، سربلند بیرون آمد. حضرت

ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از آن در اواخر عمر و زمان تجدید بنای کعبه، از خداوند درخواست اسلام می‌کند. اسلام درخواستی حضرت ابراهیم چیزی بود که قبلاً آن را نداشت و با اختیار خود نیز نمی‌توانست بدان دست یابد. طبق آیه ﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (بقره/ ۱۳۰)، پس از آنکه او این اسلام را به دست آورد، مقام «اصطفاء» نیز به او داده شد. «اصطفاء» به معنای چکیده و خالص هر چیز (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۲/۱)، برگزیده شدن (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶۴۵/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۰/۱) و صافی و خلوص (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶۴۵/۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۰۸/۱؛ طیب، ۱۳۸۷: ۲۰۲/۲) است. بنابراین «اصطفاء» مرتبه‌ای است که دیندار در تمام زندگی به مقتضای مملوکی و عبودیت رفتار کند و تسلیم صرف باشد. مقام «اصطفاء» در آیه ۱۳۰ سوره بقره، عیناً مقام اسلام در آیه ۱۳۱ است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۳/۱). بر این مبنا، خلوص باعث «برگزیده» شدن می‌شود که در آیات ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون/ ۳-۱) نیز تأکید شده است. بر اساس این آیات، در این مرتبه، «اقامه نماز» نشانه مؤمن نیست، بلکه «خشوع» در آن شاخص ایمان به شمار می‌آید. «خشوع» حالتی درونی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۱۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۸/۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۳۳/۱۶)، تواضع و فروتنی (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۱/۱۷)، مستولی شدن خشیت و هیبت و خضوع و تذلل (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۳۵۴/۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵۸/۵) است که در قلب ایجاد می‌شود و توجه را فقط به خدا معطوف می‌کند، به گونه‌ای که تأثیر آن مستقیماً در اعضا و جوارح ظاهر می‌شود. به دلیل اطلاق آیه شریفه در این کلمه، تذلل و انکسار قلب در نماز، مربوط به شرایط خاصی نیست و همه شرایط (سختی و آسانی، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی، دارایی و نداری، سرما و گرما، جنگ و صلح، فرماندهی و فرمانبری، ریاست و مرئوسیت، در جمع و تنهایی، در شب و روز) و نیز همه شئون زندگی را در بر می‌گیرد.^۱ آیه ۳ سوره مؤمنون به یکی دیگر از نشانه‌های مؤمنان در این مرتبه اشاره می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾. «لغو» به معنای کارهای بی‌فایده (طباطبایی، ۱۳۷۴:

۱. با اینکه هم در خشوع و هم در خضوع، معنای تذلل و انکسار وجود دارد، فرق این دو آن است که خضوع مختص به جوارح و اعضای بدن انسان است، ولی خشوع مختص به قلب است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳۰/۱).

۸/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۱/۱۷)، بی‌هدف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۶/۱۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۳۳/۱۶)، بیهوده (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸۲/۸) و بی‌نتیجه (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۶۹/۱۳) به کار می‌رود. از آنجا که کلمه مزبور در آیه مطلق است، کارها، اعمال، گفتارها و تصورات (لغو) از نظر دین، موارد بیهوده و مباحی را شامل می‌شوند که فایده و نتیجه‌دنیایی یا آخرتی برای آن متصور نیست و اعراض از آن‌ها حکایت از بلندی همت و کرامت نفس مؤمنان دارد. در این مرتبه، دین به گونه‌ای درونی می‌شود که سراسر زندگی شخصی و اجتماعی دیندار تحت تأثیر قرار گرفته، کنترل می‌شود. لذا احتمال بروز انحراف و گناه به صورت واقعی صفر شده، دیندار توجه دائمی به مقام ربوبی پیدا می‌کند، در نماز خاشع است و هیچ شرایطی، خشوع در نماز را از او سلب نمی‌کند. در این مرتبه، دینداری کاملاً مصونیت‌بخش است و دیندار را از هر گناه و انحرافی حفظ کرده، مصون می‌دارد (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

مرتبه هفتم: دینداری الگوشده (الگوی تجربی دین) ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

به تدریج با تقویت ایمان، فرد از مرحله ششم نیز عبور می‌کند و در آخرین مرتبه دینداری، همه دین را درونی می‌نماید و معیار تجربی و عینی سنجش دینداری می‌شود. بر اساس آیه ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس / ۶۲)، مؤمن در این مرتبه، در هیچ موضوع دنیایی و آخرتی، ترس، اضطراب و وحشتی به خود راه نمی‌دهد، کاملاً تسلیم و راضی به خواست و اراده خداست و بر آن اطمینان کامل دارد. لذا در این مرتبه، همه دین درونی و بر دیندار این مرتبه منطبق می‌گردد. بر این مبنا، الگوی عینی و تجربی دین در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و شخصی و شخصیتی که از سومین مرتبه آغاز شده و در مراتب بعدی ادامه یافته بود، به صورت تجربی شکل گرفته، ظاهر می‌شود. دیندار در این مرتبه، همان الگو و معیار دین است که همه احساسات، عواطف، اعمال و افکارش منطبق با دین است.^۱ لذا کسانی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند می‌توانند او را به عنوان معیار دین مدنظر قرار داده، احساسات،

۱. در منابع دین از این معیار به انسان کامل یاد شده است که قرآن صورت کتبی آن است.

عواطف، اعمال و رفتار او را منطبق با دین دانسته بر اساس آن عمل کنند (همان: ۱۹۳). این مرتبه از دینداری، مرتبه‌ای است که حضرت ابراهیم در سن کهولت و پس از سربلندی در آزمون‌های گوناگون و سخت به آن نایل شد: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ﴾ (بقره/ ۱۲۴). کسی که به این مرتبه از دینداری نایل گردد، الگوی عینی و تجربی دین گشته، دیگران می‌توانند عمل، احساسات، عواطف و همه زندگی شخصی و اجتماعی او را مبنای عمل خویش قرار دهند و از دینداری خود نیز مطمئن باشند ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب/ ۲۱). در آخرین مرتبه دینداری، دین و دیندار بر هم منطبق می‌شوند و الگوهای اجتماعی دین که از سومین مرتبه آغاز شده و در مراتب بعدی ادامه یافته بود، به صورت عینی و تجربی شکل گرفته، ظاهر می‌شود.

الگوی سنجش مراتب دینداری

نتایج تحلیل محتوای کیفی و طبقه‌بندی مفاهیم و مقولات، الگوی ذیل را نتیجه داده است. این الگو بر دو بعد ذاتی انسان (نفس و بدن) استوار شده است. نفس با علم و بدن با عمل از حالت بالقوه و نقص، خارج بالفعل شده، رشد می‌کنند، لذا مشخصه نفس علم، و مشخصه بدن عمل است. در عین حال، نفس و بدن دارای وحدت حقیقه بوده، دو سر یک واقعیت را شکل می‌دهند. دین نیز دقیقاً بر همین فطرت بنا شده است و دارای دو بعد ایمان و عمل صالح است. لذا انسان با آن دو از حالت بالقوه خارج و به حالت بالفعل رسیده، دینداری شکل می‌گیرد. از آنجا که ایمان بعد از دانایی و باور شکل می‌گیرد، فقط زمانی که دانایی و باور با ایمان همراه شوند، جزء دینداری به حساب می‌آیند. بر اساس الگوی ذیل، جایگاه دانایی و باور ذهن، جایگاه ایمان قلب، و جایگاه عمل اعضا و جوارح است. در واقع مؤمن کسی است که ایمان و عمل صالح را با هم دارد. با نگاهی تقلیل‌گرایانه، دینداری دارای هفت مرتبه قابل سنجش است که سه مرتبه نخست آن از طرق پیمایش (روش‌های کمی مبتنی بر تحلیل آماری) و چهار مرتبه آخرین آن از طرق روش‌های کیفی (به ویژه روش‌های مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق و تحلیل روایت) سنجیده می‌شود. مراتب دینداری از ضعیف‌ترین تا عالی‌ترین مرتبه تنظیم شده‌اند که اولین مرتبه ضعیف‌ترین، و هفتمین مرتبه عالی‌ترین

مرتبه دینداری است. در اولین مراتب دینداری، ایمان با ناخالصی همراه است و به همین جهت، احتمال گناه و انحراف دینداران از آخرین به اولین مرتبه دینداری افزایش می‌یابد. همین طور نفاق و رفتارهای منافقانه، از آخرین به اولین مرتبه دینداری افزایش می‌یابد. تعداد متدینان نیز از اولین تا آخرین مرتبه دینداری کاهش می‌یابد. لذا بیشترین جمعیت متدینان در دو مرتبه نخست و کمترین جمعیت در آخرین مرتبه دینداری قرار دارند. دین از اولین مرتبه به تدریج درونی و نهادینه می‌شود و در آخرین مرتبه، دین و دیندار بر هم منطبق می‌شوند. بر این اساس، از سومین مرتبه دینداری به بعد، الگوهای اجتماعی دین به تدریج در جامعه ظاهر و ثبات می‌یابند (همان: ۱۷۱-۱۹۷).

نمودار شماره ۱: الگوی سنجش مراتب دینداری

مراتب دینداری	ابعاد دینداری	بایگانه هر بعد	ابعاد دین	عناصر شکل دهنده	ابعاد ذاتی انسان	
دینداری ظاهری (مصلحتی)	مسلمان	ذهن	دانایی ↓ باور	علم ↑	نفس ↑	
دینداری بی‌ثبات ↓ دینداری تفصیلی ↓ دینداری بی‌تردید ↓ دینداری در تضاد ↓ دینداری خالصانه ↓ دینداری الگوشده (الگوی عینی دین)	ایمان	قلب	ایمان			
	مؤمن (دو بال)					
	عمل صالح	اعضا و جوارح	عمل صالح	عمل	بدن	

روایی^۱ سنجه^۱ الگوی سنجش دینداری

از آنجا که تنها سه مرتبه از هفت مرتبه دینداری را می‌توان با روش‌های کمی سنجید، لذا شاخص‌های مراتب مزبور طی مراحل، تبدیل به گویه‌های هماهنگ با فرهنگ و زبان مردم گردید و در چند مرحله در نمونه‌های مختلف، مورد آزمون قرار گرفت. پس از هر آزمون، گویه‌ها تصحیح و اصلاح شد تا اینکه در نهایت پرسش‌نامه‌ای حاوی گویه‌های مبتنی بر شاخص‌های دینداری و هماهنگ با فرهنگ و زبان مردم، تنظیم و آماده گردید. این پرسش‌نامه دارای دو بخش، گویه‌های مربوط به دینداری فردی و گویه‌های مربوط به دینداری اجتماعی (ساختاری) بود. پس از آن، سنجه^۱ ساخته‌شده برای تعدادی از صاحب‌نظران (دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر)، ارسال و از آن‌ها خواسته شد که ارزیابی خویش را بر اساس طیف ۱۱ درجه‌ای ابتدای پرسش‌نامه، نسبت به موافقت یا مخالفت با هر یک از گویه‌ها مشخص کنند. در این طیف، عدد ۱ نشان‌دهنده مخالفت کامل و عدد ۱۱ نشان‌دهنده موافقت کامل با هر گویه برای سنجش آن موضوع بود. ضمناً در ابتدا به داوران یادآوری شد که «هدف سنجش مراتب دینداری خود شما نیست، بلکه هدف آن است که شما داوری کنید هر گویه برای سنجش ابعاد دینداری مردم مسلمان ایران چقدر معتبر است». بعد از آن ۵۷ نفر از کسانی که پرسش‌نامه برایشان ارسال شده بود، پاسخ را ارسال کردند که به دلیل نقص در ۷ مورد، نتایج ۵۰ پرسش‌نامه استخراج و تحلیل شد. در استخراج نتایج، برای هر گویه، میانگین، واریانس، انحراف معیار، آزمون t و سطح معناداری محاسبه و منعکس شد. از آنجا که داوران، هر گویه را بر اساس طیف ۱۱ درجه‌ای نمره داده بودند، معیار رد یا قبول هر گویه، میانگین ۶ بود. به عبارت دیگر، گویه‌هایی که دارای میانگین کمتر از ۶ بودند یا میانگین بالایی داشتند و واریانس آن‌ها نیز بالا بود، پذیرفته نشده، حذف گردیدند. بر این اساس، در بخش دینداری فردی ۵ گویه و در بخش دینداری ساختاری ۶ گویه حذف شدند. نتیجه داوری نشان داد که در این مرحله، سنجه‌ای با ۶۷ گویه معتبر در بخش دینداری فردی و ۱۳ گویه معتبر در بخش دینداری ساختاری

در اختیار داریم که به دلیل طولانی بودن جدول مربوط به نتایج از ذکر آن خودداری می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۱۹).

اعتبار سنجۀ الگوی سنجش دینداری

بعد از داوری داوران و تأیید روایی سنجۀ ساخته‌شده، پرسش‌نامه در نمونه‌ای معرف با حجم ۱۰۰ نفر با نمونه‌گیری تصادفی در سطح مناطق مختلف شهر بیرجند اجرا گردید. اطلاعات عمومی این نمونه نشان می‌دهد که این نمونه در فاصله سنی ۱۳ تا ۵۴ سال قرار دارند که ۵۴ درصدشان مرد و بقیه زن هستند. از نظر تحصیلات نیز ۵ درصد کارشناس ارشد، ۱۹ درصد کارشناس، ۳۸ درصد فوق دیپلم، ۲۰ درصد دیپلم و بقیه زیر دیپلم هستند. همچنین ۸ درصد تحصیلات حوزوی نیز دارند. به لحاظ شغلی نیز ۵ درصد خانه‌دار، ۲ درصد بازنشسته، ۳۴ درصد دانشجو، ۹ درصد بیکار و ۳۹ درصد شاغل‌اند. همچنین ۶۰ درصد حجم نمونه، خود را متعلق به طبقۀ متوسط و ۲۰ درصد خود را متعلق به طبقۀ بالا یا متوسط رو به بالا می‌دانند. تجزیه و تحلیل آماری در دو بعد دینداری فردی با ۶۷ گویه و دینداری ساختاری با ۱۳ گویه صورت گرفته، اعتبار نیز در همین دو بعد مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که آلفای کرانباخ^۱ برای دینداری فردی ۰/۹۳۱ (۹۳ درصد اطمینان) و برای دینداری ساختاری برابر ۰/۹۱ (۹۱ درصد اطمینان) می‌باشد که حکایت از اعتبار بسیار بالای سنجه، هم در بعد دینداری فردی و هم در بعد دینداری ساختاری دارد.

نتیجه‌گیری

الگوی سنجش مراتب دینداری بر دو بعد ذاتی انسان (نفس و بدن) استوار گردیده است. نفس با علم و بدن با عمل شکل گرفته، رشد می‌کنند. لذا مشخصۀ نفس علم، و مشخصۀ بدن عمل است. در عین حال، نفس و بدن دو حقیقت جدای از همدیگر نیستند بلکه دارای وحدت حقیقی‌اند و دو سر یک واقعیت را شکل می‌دهند. دینداری

1. Cronbach's Alpha.

هم دقیقاً بر همین پایه بنا گردیده، دارای دو بعد ایمان و عمل صالح است. دینداری اگر به طور مستمر با ایمان و عمل صالح همراه باشد، مؤمن مورد نظر دین شکل می‌گیرد. بر این مبنا، مؤمن کسی است که علم و باور دینی را تصدیق و بر اساس آن عمل می‌کند. دینداری با یک نگاه، دارای مراتبی بی‌نهایت (به درجات آیات قرآن)، و با نگاهی تقلیل‌گرایانه دارای هفت مرتبه تجربی و سنجش‌پذیر زیر است: مرتبه اول: دینداری ظاهری؛ مرتبه دوم: دینداری بی‌ثبات؛ مرتبه سوم: دینداری تفصیلی؛ مرتبه چهارم: دینداری بی‌تردید؛ مرتبه پنجم: دینداری در تضاد؛ مرتبه ششم: دینداری خالصانه محض؛ مرتبه هفتم: دینداری الگوشده (الگوی عینی و تجربی دین). مراتب دینداری از ضعیف‌ترین تا عالی‌ترین مرتبه تنظیم شده‌اند. اولین مرتبه ضعیف‌ترین، و هفتمین مرتبه عالی‌ترین مرتبه دینداری است. در اولین مرتبه، دینداری فقط تک‌بعدی (عمل) است و از دومین مرتبه به بعد، ایمان بعد دوم آن به شمار می‌رود. اما همواره ایمان مقدم بر عمل صالح است. از سویی دیگر، در اولین مراتب دینداری، ایمان با نوعی ناخالصی همراه است. به همین جهت، احتمال گناه و معصیت دینداران از اولین تا آخرین مرتبه دینداری کاهش می‌یابد. همین طور نفاق و رفتارهای منافقانه از اولین تا آخرین مرتبه دینداری کاهش می‌یابد. تعداد متدینان نیز از اولین تا آخرین مرتبه دینداری کاهش می‌یابد. لذا بیشترین جمعیت متدینان در دو مرتبه نخست و کمترین جمعیت در آخرین مرتبه دینداری قرار دارند. دین از اولین مرتبه به تدریج درونی و نهادینه می‌شود و در آخرین مرتبه، دین و دیندار بر هم منطبق می‌شوند. بر این اساس، از سومین مرتبه دینداری به بعد، الگوهای اجتماعی دین به تدریج در جامعه ظاهر شده، ثبات می‌یابند. نکته مهم دیگر اینکه فاصله بین مراتب دینداری زیاد است، به گونه‌ای که درک متقابل کسانی که در مراتب بالا و پایین دینداری قرار می‌گیرند، از همدیگر مشکل است.

کتاب‌شناسی

۱. احمدی، یعقوب، «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها، مطالعه موردی شهر سنجند»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش.
۲. استراس، آنسلم و جولیت ام. کورین، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، ترجمه بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۳. آخوندی، محمداقبر، جامعه‌شناسی الگوی سنجش مراتب دینداری ایرانیان مسلمان، رساله دکتری دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲ ش.
۴. آرون، ریمن، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشار، ۱۳۷۰ ش.
۵. حسن‌زاده آملی، حسن، اتحاد عاقل به معقول، تهران، حکمت، ۱۴۰۴ ق.
۶. همو، انسان و قرآن، قم، قیام، ۱۳۸۱ ش.
۷. همو، عیون مسائل نفس و شرح آن، قم، قیام، ۱۳۸۰ ش.
۸. همو، متأثر آثار، تدوین داود صمدی آملی، قم، الف لام میم، ۱۳۸۶ ش.
۹. حسینی شیرازی، سیدمحمد، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. خدایاری فرد، محمد، آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی دینداری اقشار مختلف جامعه ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. دورکیم، امیل، صوربنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، تفسیر مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. ربانی خوراسگانی، علی و وحید قاسمی، «نگرش مردم شهر اصفهان در مورد آسیب‌های نظام اجتماعی ایران با تأکید بر تحلیل آسیب دین‌گریزی در جامعه»، جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. سراج‌زاده، سیدحسین، سنجش‌گرانش‌ها، رفتارها و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر، «مقایسه تجربی سنجش‌های دینداری»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۴، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. شجاعی‌زند، علیرضا، «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. همو، «مدلی برای سنجش مراتب دینداری در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. شکیبیا، عباس، بررسی رفتارهای مذهبی در مردم تهران، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات ریاست جمهوری، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره هشتم، شماره ۸، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.

۲۴. همو، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. فلیک، اووه، در آمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، اسلامیه، بی تا.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله، رساله توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۳۸. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی